

انقلاب اسلامی و بازسازی تمدن نوین اسلامی

فاطمه اخروی^{۱*}

چکیده

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بازیابی تمدن اسلامی مورد توجه محققان قرار گرفته است. از بین رفتن و افول تمدن و افزایش آگاهی تمدنی در پی گسترش امکانات اطلاعاتی و ارتباطاتی در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأثیر آن در عرصه بین المللی از جمله دلایل اهمیت به تمدن اسلامی است. شخصیت امام خمینی راهنمای شناخت بارز ابعاد معنوی انقلاب اسلامی ایران بود و امام با هشدارهای مکرر افراد را به ابعاد عرفانی و ارزش های معنوی سوق می داد و خود سکان دار انقلاب در راستای اهداف اسلامی بود. در این مقاله تلاش می شود از ویژگی های تمدن نوین اسلامی شامل دین باوری امت مدار، خردباوری، تمدن اندیشی، خودباوری، غرب پژوهی و غیره بحث شود. این پژوهش با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است. این پژوهش در نظر دارد تا به پاسخ این پرسش دست یابد که انقلاب اسلامی چه تأثیری در بازسازی تمدن اسلامی در سطح بین المللی در جوامع غربی داشته است؟ به نظر می رسد که بعد از انقلاب اسلامی و تلاش برای حاکمیت اسلام در ابعاد مختلف تمدنی منجر به شکل گیری گفتمان تمدن نوین اسلامی در سطح بین المللی شده است. ایجاد و تقویت این گفتمان در درازمدت می تواند منجر به بازیابی تمدن اسلامی متناسب با مقتضیات دوران حاضر شود. مهم ترین مسئله این گفتمان تمدن نوین، تأثیر آن در عرصه بین المللی است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، جمهوری اسلامی ایران



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین الملل،

دوره سیزدهم،

شماره اول، شماره

پیاپی چهل و

هشت، بهار ۱۴۰۲

۱. دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مدرس واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

* fatemehokhravi10@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی چهل و هشت، صص ۳۸۴-۳۶۹

پیروزی انقلاب اسلامی تحولی عظیم در عرصه بین‌المللی پدید آورد به گونه‌ای که با رجوع مجدد به میراث اسلام شاهد نگاه و نگرشی جدید نسبت به جهان و مناسبات گوناگون بشری در عرصه‌های اجتماعی و تمدنی دوران حاضر خواهد شد. از این لحاظ پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی در بازیابی تمدن اسلامی است. موج دوم بیداری اسلامی در جهان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز گردید. انقلاب اسلامی ایران که به تأسیس یک نظام اسلامی منجر شد، مدل جدیدی از نظام سیاسی را در جهان اسلام در دوران نظام دو قطبی عرضه کرد. در سده‌های اخیر به دنبال افول تمدن اسلامی ما شاهد تحولات عمده در دول اسلامی و پیشرفت روند موسوم به مدرنیته و همچنین غلبه رویکرد منفی نسبت به کارکرد اجتماعی دین شده‌ایم و تفکرات غربی در سطح وسیعی در جوامع اسلامی رسوخ نموده است. اساس تمدن غربی براساس دیدگاه‌های فمینیسم، سکولاریسم و غیره شکل گرفته و سپس وارد بخش عمده‌ای از جهان امروزه شده است. شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی چالش بزرگی در راه جهانگیر شدن بینش تمدن غربی است که هدف تحول و خیزش را در میان مسلمانان جهان دارد و زمینه‌های رونق و شکوه مجدد تمدن اسلامی را فراهم کرده است. هدف در این مقاله بررسی تاثیر انقلاب اسلامی در عرصه بازسازی تمدن اسلامی است. متأسفانه در چند قرن اخیر به دنبال افول رونق فرهنگ و تمدن اسلامی بنا بر عوامل و چالش‌های داخلی و خارجی شاهد رونق و غلبه تدریجی فرهنگ و تمدن مدرن غربی در سراسر جهان هستیم که در مورد علل این افول بحث‌های مفصلی صورت گرفته است.

در پژوهش حاضر سوال مهم این است که انقلاب اسلامی چه تأثیری در بازسازی تمدن اسلامی در سطح بین‌المللی داشته است؟ انقلاب اسلامی در جهان تأثیراتی مهمی را در ابعاد فردی، داخلی، منطقه‌ای و جهانی ایجاد نمود و موجبات تداوم بیداری اسلامی بین‌المللی ایجاد کرد. تمدن نوین اسلامی که خود ملهم از بیداری انقلاب ایران است، در شرایط کنونی جهان امروز می‌تواند با تکیه بر ظرفیت‌های تمدن‌ساز انقلاب، تقاضا و میل فزاینده موجود در جهان اسلام به تمدن نوین را تقویت نماید. درباره پیشینه تحقیق باید عنوان کرد که ابراهیم حسنی در پژوهشی با عنوان «نقش روحانیت شیعه در گستره

فرهنگ دینی بعد از انقلاب اسلامی» (۱۳۸۲) به نقش روحانیت، فرهنگی دینی، پوشش، ارزش‌ها و باورهای دینی، رهبری دینی، مبارزه با خرافات، تحریف و انحراف در متن دین و جامعه دینی، مقابله با تهاجم فرهنگی، هرایت معنوی جهاد و تألیف کتاب و تدوین متون درسی دینی پرداخته است. نوروژی فیروز در پژوهشی با عنوان «نقش انقلاب اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ایجاد تمدن اسلامی-ایرانی» (۱۳۹۱) به عواملی چون تمدن و هویت تمدنی در دوران تاریخ معاصر و پهلوی و نقد تمدن آن دوره و تمدن در کشورهای ترکیه و مالزی پرداخته است. عباس محسنی در نشست تخصصی تمدن در موسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی فتوح اندیشه در پژوهشی با عنوان «بستر تکامل انقلاب اسلامی، تمدن یا فرهنگ» به آثار شهید سیدمرتضی آوینی و تاریخ سیر تکوین انسان بر روی زمین، تقابل انقلاب و استقرار و ادوار تاریخی سیر انسان در کره زمین پرداخته است. در صورتی که در این مقاله به عواملی که باعث رشد و گسترش تمدن اسلامی در انقلاب کمک کرده پرداخته شده است.

۱. رهیافت تحلیلی: تمدن اسلامی

تمدن اسلامی که برخی آن را از مجموع تمدن‌های متعددی چون تمدن ایرانی، عربی، هندی، مصری و مغولی دانسته اند، از مهم‌ترین تمدن‌های تاریخی در جهان است. در خصوص تعریف دقیق تمدن اسلامی نیز مناقشاتی وجود دارد اما محققان منظور از تمدن اسلامی را مجموعه آداب و رسوم مشترک میان ملت‌های مسلمان دانسته اند که نباید فرض کرد، چون نام اسلامی دارد، مظاهر آن همگی برگرفته از قرآن یا سنت است. از لحاظ تاریخی، برخی اندیشمندان اروپایی، تمدن اسلامی را با تمدن عربی یکسان دانسته و آن را تمدن شرق یا تمدن مقابل دنیای غرب در قرون وسطی اطلاق کرده‌اند. در حالی که تمدن اسلامی، تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست، بلکه مقصود تمدن ملت‌های اسلامی است که عرب‌ها، ایرانیان، ترک‌ها و دیگران را شامل می‌شود که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی زبان عربی با یکدیگر متحد شده‌اند.

سیر تاریخ و ظهور تمدن اسلامی را از لحاظ تاریخی باید به سه دوره تقسیم کرد. دوره اول از آغاز پیدایش اسلام در قرن هفتم میلادی تا سقوط بغداد به دست هلاکو ادامه یافت. دوره دوم با پذیرش اسلام توسط مغولان و ایجاد حکومت‌هایی مانند صفوی و

عثمانی تا اواسط قرن هجده میلادی به طول انجامید و دوره سوم نیز که به دنبال قدرت یافتن قدرت‌های اروپایی و سلطه مستقیم یا غیر مستقیم آن‌ها بر سرزمین‌های اسلامی در دوره استعمار تا زمان حاضر ادامه یافته است. مورخان اوج شکوه و اقتدار تمدن اسلامی را در دوره اول عنوان می‌کنند یعنی دورانی که اسلام در طول چند قرن بر بیشتر سرزمین‌های آن روز جهان مسلط گردید و قسمت اعظم آسیا، آفریقا و قسمتی از اروپا را تحت سلطه و اقتدار خود درآورد. همه این مناطق با فرهنگ و دین مشترکی به هم وصل شده بودند و ساکنان آن خود را عضو تمدن واحد و وسیعی می‌دانستند که پایگاه روحانی و مذهبی آن مکه و مرکز رهنگی و سیاسی آن شام و بغداد بود. در این میان آن چه تمدن اسلامی را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کرد آن بود که تمدن اسلامی روح معاضدت و تساهل را جانشین تعصبات دنیای باستان کرده و از لحاظ محتوا، ترکیبی بدیل از میراث تمدن‌های گذشته ایجاد نمود. تمدن اسلام به این گونه وارث فرهنگ قدیم شرق و غرب شد، نه تقلید کننده صرف از فرهنگ‌های سابق و نه ادامه دهنده محض بود. این تمدن با همه عناصر از جنبه الهی ترکیب شد و فرهنگ و تمدن اسلامی را شکل داد و دستورات خود را از قرآن گرفت (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۹).

با توجه به مطالب عنوان شده باید گفت که با وجود این که مسلمانان میراث تمدن‌های گذشته را گرفتند و جریان اسلامی کردن این میراث به مراتب فراتر از صرف جذب، ادغام و تغییر دادن صورت آن‌ها بود. در طی این جریان، نیروهای خلاق بسیاری به ظهور رسید (اسپوزیتو، ۱۳۷۷: ۱۰۱). این امر باعث گردید که تمدن اسلام در اوج خود نوآورترین تمدن دنیا گردید (فیلیپ جی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۳۶).

۲. مراحل شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

برای شکل‌گیری تمدن نوین در جهان باید تلاش‌هایی صورت گیرد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد. دستیابی به اندیشه و نرم افزار تمدن یعنی این که عقیده منسجم و کاربردی در جامعه نیاز است که بتواند نقشه راه کلان تمدن جدید را حتی با فرض فرآیندی بودن تمدن تولید کند و بعد از شکل‌گیری تمدن پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. باید شکل‌گیری دقیق از نظم و قانون در جامعه ایجاد گردد. همچنین برای ایجاد تمدن اسلامی باید در جامعه ایجاد بیداری و هویت‌یابی صورت گیرد که از آن به

انقلاب تعبیر می‌شود و عامه مردم مشارکت اجتماعی فعال و حداکثری داشته باشند که شکل‌گیری این عوامل نیاز به لوازم و اقتضائات دارد. باید در جامعه پیشرفت همه جانبه، نظامند و جهشی صورت گیرد، زیرا که پیشرفت‌های معمولی جامعه را در مسیر تمدن نوین قرار نمی‌دهد. همچنین ایجاد تمدن نوین که خود تمدن نیز یک وضعیت پویا و در حال رشد است و می‌تواند از سطحی به سطحی بالاتر صعود کند (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۵-۴۷).

۳. انقلاب اسلامی و آغازی برای تمدن نوین

۳۷۳

انقلاب اسلامی دارای ابعاد مختلفی می‌باشد که یکی از ابعاد آن که از شخصیت رهبری آن برگرفته، بُعد پایه ریزی تمدن سازی در این انقلاب است، که از قلمرو وسیعی برای تأمل برخوردار است. به حق این ندا و شهرت، قایل تحسین است که انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی است. ابعاد فرهنگی انقلاب اسلامی به گستره خود انقلاب دامنه دارد و فرهنگ بر همه زوایای انقلاب اسلامی پرتو افکنده است. به گونه‌ای که نمی‌توان زوایای تاریکی در عرصه‌های مختلف انقلاب اسلامی یافت که تهی از مبانی و ارزش‌های فرهنگی باشد و این معیاری در بازشناسی درست از غلط در ابعاد مختلف انقلاب اسلامی است و رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی ارزش‌های فرهنگی و تمدنی را با روح اسلام آمیخت. زمانی که از فرهنگ انقلاب اسلامی سخن به میان می‌آید، مجموعه مدون اصول و مبانی فرهنگی جمهوری اسلامی در ذهن متبادر می‌گردد. انقلاب اسلامی ایران در نیمه دوم قرن بیستم میلادی که از ادوار شکوفایی تمدن غرب محسوب می‌شد، توانست مسئله جدیدی را در سطح بین‌المللی مطرح نماید، مسئله‌ای که متفاوت از انقلاب‌ها در جهان غرب (اروپا) بود و بر پایه‌ی نظام معنایی‌ای استوار شده بود که با نظام معنایی تمدن هژمون غرب متمایز بود. به همین دلیل، انقلاب اسلامی یک انقلاب سیاسی صرف نبوده است، بلکه ابعاد گسترده‌ی رادر بر می‌گرفت که نتایج حاصل از آن به بازسازی نظام تمدن نوین اسلامی می‌انجامید.

دول اروپایی بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأثیر آن در پایه ریزی تمدن نوین اسلامی برخوردارهایی را نسبت به آن داشتند که به نظر می‌رسد مشکل اصلی غرب با انقلاب اسلامی ایران به دلیل وجود جوهره تمدنی در آن بوده است، انقلابی که نوید

شکل‌گیری تمدن جدیدی به نام تمدن نوین اسلامی را می‌داد و پیوستن حرکت‌های هویت‌جو و تمدن‌خواه در یک نقطه فراملی و امتی، یک پدیده تمدنی جدیدی را به نام تمدن نوین تعریف می‌کرد که برای دول اروپایی چالشی بزرگ به حساب می‌آمد. تمدن غرب براساس یک مبنای فکری شکل گرفته بود که نظام فکری آن تمدن در مفهوم عام مادی آن تنها ترقی، پیشرفت، علم، صنعت و تکنولوژی را مدنظر دارد و البته باید عنوان کرد که در این تمدن معنویت جایگاهی نداشت. این تمدن مبتنی بر جهان بدون خدا و متکی بر انسان بود که در دوره‌هایی رفاه و ترقی مناسبی را برای انسان‌ها به ارمغان آورد. اما جهان غرب به تدریج فهمیدند که آنچه حاصل شده است، نمی‌تواند همه آن سعادت‌های بشر از ابتدا به دنبال آن بوده را فراهم کند و به تدریج خلأها و حفره‌های معنوی در درون تمدن غرب نمایان گردید، این احساس آشکار شد که تمدن دول اروپایی نیز کامل نیست. در چنین شرایطی رقیب تمدنی قوی پیدا می‌شود که همان تمدن نوین اسلامی، که برون‌داد اصلی و پیام راهبردی آن از سوی انقلاب اسلامی ایران به جهان مخابره گردید.

تمدن نوین اسلامی در عین تأیید جنبه‌های مادی به شدت بر جنبه‌های معنوی هم تأکید دارد. به بیان دیگر این تمدن دنیاگریز و در عین حال دین ستیز نیست و پاسخی بود برای حفره‌هایی معنوی که در تمدن غرب به وجود آمده است. آنچه که در انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاد لزوماً یک پدیده جدید نیست و پدیده‌ای با سابقه تاریخی دارد. یعنی به عبارتی در اصل تمدن نوین اسلامی بازخوانی تمدن اسلامی قدیم است. که با انقلاب اسلامی پایه ریزی نوین آن صورت پذیرفته است. به بیان دیگر انقلاب اسلامی، یک تمدن نوین اسلامی ایرانی است که با ریشه‌های عمیق خویش در گذشته، امتدادی طولانی به سوی آینده دارد. *رساله جامع علوم انسانی*

بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در پیام تاریخی خویش به گورباچف، گرفتاری‌ها و مشکلات اصلی جهان امروز را ناشی از عدم اعتقاد واقعی قدرت‌های بزرگ، به ویژه دو بلوک شرق و غرب، به خداوند متعال و ارزش‌های والای انسانی می‌داند. قدرت‌هایی که از نظر آن‌ها، تنها معیار برای سنجش ارزش، میزان برخورداری از ثروت و قدرت چپاول‌گری است. همچنین ایشان، در این پیام، ضمن بیان عجز تفکر مادی در تأمین

نیازهای بشر، تأکید داشته‌اند که مکتب حیات‌بخش اسلام، تنها مکتبی است که با محور قرار دادن حق و عدالت می‌تواند کمال‌جویی و ظلم‌ستیزی را برای همه ملت‌ها به ارمغان آورد (خمینی، ۱۳۶۹: ۲۲۲-۲۲۳). با توجه به قرائن موجود جمهوری اسلامی برآمده از انقلابی است که مؤلفه‌ها و اصول معرفت‌شناسانه مکتبی و فرهنگی خاص خود را دارا است. بدین ترتیب اصول معرفت‌شناختی انقلاب اسلامی ایران توانایی آن را دارد که مبانی تحلیلی و فهم ویژه‌ای از کیفیات فرهنگی و تمدنی را ارائه کند و بدین لحاظ تواناییهای نظام جمهوری اسلامی ایران را در ارائه راهکارهای برای رفع کاستی‌های تمدنی در شرایط کنونی بین‌المللی ارتقا بخشد.

۳۷۵

امام‌خمینی در وهله اول توانست جامعه ایران را از حالت ایستایی خارج سازد و با ایجاد همبستگی میان مردم و رهبران جامعه، شرط اولیه تأسیس تمدن را فراهم آورد و فرایند احیاء یا بازسازی تمدن اسلامی را آغاز نماید و برخلاف روند چند سده قبل، از حالتی دو سویه میان مردم و رهبران برخوردار باشد و این دو در تعامل با یکدیگر تمدن‌سازی نوین را پیگیری نمایند. مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای نیز در این باره معتقدند پیشرفت تمدن‌سازی با انقلاب اسلامی آغاز شده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۵/۲۵).

پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن در شکل نظام جمهوری اسلامی موجب تحول گفتمانی در ایران شده و برای اولین بار این فرصت را فراهم آورده که مسلمانان با بازشناسی مجدد میراث گران‌بهای فرهنگی و تمدنی خود در حوزه‌های فقهی، فلسفی، کلامی، تفسیری، عرفانی و غیره، پاسخگوی نیازهای زندگی در عصر حاضر باشند. البته در این میان نقش علمای شیعه در این تحول بی‌تأثیر نبوده است و با استفاده از اصل بی‌بدیل اجتهاد، پیشرو در این حوزه هستند (کمالی اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). در مجموع باید گفت به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران همه مؤلفه‌های اساسی فرهنگ و تمدن یعنی دولت یا حکومت، قوانین و مقررات، زبان، هنر، علوم و فنون و معتقدات دینی، مورد بازنگری قرار گرفته و تلاش شده است که برای ارائه آن‌ها مطابق با شرایط و مقتضیات زندگی در عصر حاضر از میراث موجود در فرهنگ و تمدن اسلامی استفاده شود. آیت الله خامنه‌ای نیز در یکی از سخنرانی‌های خود عنوان داشتند که ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی سرشار از معنویت بسازیم که با کمک معنویت



و هدایت معنوی باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹). با توجه به مطالب عنوان شده باید اقرار کرد که انقلاب اسلامی شعاع گسترده‌ای از تمدن بشری را درگیر خود کرده است و بهترین مدرک برای اثبات این مطلب نظر دانشمندان اروپایی و غربی در باب اشاعه تفکرات تمدن سازی انقلاب اسلامی در جهان است. از جمله دانیل پاپیس رئیس انستیتو سیاست‌های خارجی آمریکا در سمیناری در سال ۱۳۶۸هـ در استانبول ترکیه گفت باید اعتراف کنیم که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ما برای افکار مذهبی هیچ جایی باز نکرده بودیم. ولی از این به بعد برای ما آمریکایی‌ها ضروری است که زمینه‌ای جهت مطالعه و تحقیق پیرامون مذهب و معنویت فراهم آوریم (حاجتی، ۱۳۸۱: ۵۳). همچنین لخ والسا رئیس جمهور پیشین لهستان نیز عنوان کرد که پیروزی انقلاب اسلامی موجب احیای فرهنگ و فکر دینی حتی در سطح کشورهای مسیحی گردید (حاجتی، ۱۳۸۱: ۵۴). بر این اساس می‌توان گفت که پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گام اول برای بازیابی تمدن اسلامی است و تکمیل این راه منوط به بازیابی زیرمجموعه‌های این تمدن در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، البته در این راه چالش‌های بسیاری پیش روی این بازسازی تمدن اسلامی وجود خواهد داشت. در چند سده اخیر، با غلبه نسبی حوزه فرهنگ و تمدن غربی، شاهد انتقال بسیاری از ارزش‌ها، اسطوره‌ها، اعتقادات، نمادها و نهادهای غربی به سایر مناطق جهان بودیم اما این روند به تدریج در سال‌های اخیر با واکنش سایر جوامع، خصوصاً جوامع اسلامی روبرو گردیده است.

۴. جایگاه تمدن نوین اسلامی در سطح بین‌المللی

با توجه به نظر برخی محققان اصولاً همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها فناپذیر به نظر می‌رسد و در واقع همه تمدن‌ها با یکدیگر در ارتباط بوده و دستاوردهای خود را به طور طبیعی با یکدیگر مبادله می‌کنند. اما باید عنوان کرد که مطابق سنت‌های تاریخی هر تمدنی سیر تکوینی خاص خود را دارد همچنین از آن‌جا که فرهنگ و تمدن طیف وسیعی از امور را در بر می‌گیرند امکان دارد در طی زمان بخشی از آن غیرقابل استفاده شده و پاسخگوی نیازهای عصر حاضر نباشد و دچار رکود گردد. تمدن اسلامی در قرون اخیر دچار رکود در سطح جوامع اسلامی گردید و به دلیل کوتاهی نمودن مسلمانان و دوری آنان از اصول و قوانین بخش‌هایی از فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون اخیر مطابق نیازهای

زمان رشد نیافته و تحت تأثیر دستاوردهای تمدن مدرن غربی قرار گرفته است. مبنا و اساس دین اسلام پاسخگویی متعادل به نیازهای معنوی و امور مادی انسان‌ها می‌باشد و عدم افراط و تفریط در این زمینه توصیه شده است. این ویژگی‌ها در تمدن اسلامی که ریشه در اصول جاودان مکتب اسلام دارد، باعث می‌گردد که علی‌رغم فراز و فرود فرهنگ و تمدن اسلامی، همواره امکان جدید بودن و نوآوری در باب تحولات جدید را دارا باشد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، استمرار و گسترش جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان، افزایش تعداد مسلمانان در سراسر کشورهای دنیا را در پی داشت همچنین به اذعان برخی از شرق‌شناسان و محققان اروپایی و غربی جاذبیت اسلام برای شهروندان اروپایی، نمونه‌ای از شواهدی است که نشان می‌دهد، تمدن نوین اسلامی در دنیای معاصر جایگاه و طرفدارانی را برای خود به دست آورده است.

احیاء تمدن نوین اسلامی از مسائلی است که در طول چند دهه گذشته و خصوصاً به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مورد توجه محققان در سطح بین‌المللی قرار گرفته است. اصولاً وقوع انقلابی همه‌جانبه در عصر مدرن به نام دین، آن هم در اواخر قرن بیستم میلادی که حدود دو قرن از حاکمیت بلا منازع نظریات سکولاریستی در اروپا و گسترش آن در جهان اسلام می‌گذشت، امری عجیب به نظر می‌رسید و تا مدت‌ها باعث سردرگمی بسیاری از نویسندگان جهان شده بود.

محققان و پژوهشگران مطرحی مباحث گسترده‌ای را در خصوص علل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و رجعت مسلمانان به فرهنگ و تمدن اسلامی بیان نموده‌اند، اما شاید عدم پاسخگویی فرهنگ و تمدن مدرن اروپایی به نیازهای روحی و معنوی انسان‌ها، عوارض منفی و مخرب روند مدرنیته، نظیر استعمار، استثمار، امپریالیسم، تخریب محیط زیست و مواردی از این دست در بخش‌های وسیعی از دنیا و تحمیل ارزش‌های غیر دینی و سکولار به جوامع اسلامی، از جمله مهم‌ترین این دلایل است (نوذری، ۱۳۷۹: ۵۰۳-۵۰۲). البته در این میان نباید از نقش برجسته امام‌خامنه‌ی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی و مؤسس تفکر نوین اسلامی غافل بود. ایشان با مبارزات سیاسی و فکری خستگی‌ناپذیر خود در طی چند دهه، تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی به مبارزه همه‌جانبه با فرهنگ سکولار در اروپا پرداخت که ثمره این تلاش‌ها، معرفی و بازشناسی اسلام واقعی به

اقتشار مختلف جامعه و جلب اعتماد آن‌ها به اسلام، به عنوان تنها راه نجات از بحران‌های عصر حاضر در جهان است (کمالی اردکانی، ۱۳۸۶: ۲۹۳). از راهکارهای گسترش و رشد تمدن اسلامی نوین در جوامع اسلامی وحدت و همبستگی و زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان با یکدیگر می‌باشد که در پی آن تحکیم پایه‌های تمدن نوین اسلامی مهیا می‌گردد. دیدگاه آیت الله خامنه‌ای رهبری معظم برای رفع ظلم ساختاری تمدن غرب علیه مسلمانان و حتی کشورهای غیرمسلمان در آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا اتحاد مردم با یکدیگر می‌باشد و همزمان تولید علم و تولید فکر و تربیت انسان‌های خودساخته در دستور کار نخبگان جامعه قرار گیرد. باید عنوان کرد که انقلاب اسلامی ایران همان نقشی را که انقلاب فرانسه برای تمدن غرب ایفا کرد، برای تمدن نوین اسلامی برای مسلمانان در اقصی نقاط جهان نیز ایفا می‌کند. این روش شامل موارد ذیل است. وقوع انقلاب اسلامی، نظام‌سازی پایدار در قالب جمهوری اسلامی، دولت‌سازی اسلامی اکنون در این حیطه قرار داریم که هنوز تحقق نیافته است. بعد از این جامعه‌سازی و ایجاد جامعه اسلامی یا کشور اسلامی است و سرانجام تمدن نوین اسلامی تحقق می‌یابد و این کار منوط به وحدت کشورهای اسلامی برای رفع مزاحمت ساختار بین‌المللی به سرکردگی غرب و اروپا و آمریکا است.

۵. سیر گسترش تمدن اسلامی در ایران

ارتباط در قرون گذشته میان جوامع، ملت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون با محدودیت‌هایی مواجه بود اما این ارتباط بین دول بین‌المللی با ورود فن‌آوری‌هایی نوین و پیشرفته از جمله کامپیوتر، ماهواره، اینترنت و موبایل به زندگی روزمره مردم، تبادل فرهنگی و مشاهده فرهنگ‌های ملل مختلف به امری عادی تبدیل شده است. پیامدهای گسترده این تحولات سریع، آن هم در طی چند دهه که از لحاظ تاریخی، مقطعی بسیار محدود محسوب می‌شود، تأثیرات گسترده‌ای بر نظام جهانی گذاشته است و کمتر محقق‌هایی را می‌توان پیدا کرد که وضعیت کنونی جهان را با چند دهه قبل قابل مقایسه دانسته و روند افزایش آگاهی تمدنی را انکار نمایند. به هر حال یکی از تأثیرات مهم این تحولات یعنی ارتباط و نزدیکی بیشتر انسان‌ها در چند دهه اخیر، پیدایش چالش‌ها و معضلاتی است که دامنه آن نه تنها به یک کشور یا فرهنگ و تمدن محدود

نمی‌شود، بلکه جامعه بشری را به طور کلی درگیر خود می‌کند (صدری، ۱۳۸۰: ۳). می‌توان این گونه بیان کرد که در تأثیر تحولات حاصل از پیشرفت فن‌آوری‌های مختلف در عصر حاضر بر فرهنگ‌ها و تمدن‌های انسانی جای تردید نیست، اما این که سمت و سوی این تحولات چگونه خواهد بود، باید گفت با توجه به تبلیغات و چگونگی تأثیراتی است که از فرهنگ و تمدن کشورهای مختلف اخذ شده است. اگر تبلیغات مثبت صورت گیرد، سیر پیشرفت کشورها وارد جامعه می‌گردد و می‌توان جامعه‌ای متمدن رو به پیشرفت داشت. اما اگر برعکس این امر حاصل گردد رشد تمدن در جامعه مختل می‌گردد. البته باید اقرار کرد از زمان صدر اسلام و گسترش تدریجی فرهنگ و تمدن اسلامی، چالش‌های متعدد داخلی و خارجی در این عرصه اتفاق افتاده است، در این میان بازگشت به برخی از عناصر و سنن جاهلی با رحلت حضرت محمد، بحران خلافت، عملکرد سوء حاکمان، و اختلافات فرقه‌ای و قومی از جمله مهم‌ترین چالش‌های داخلی و رویارویی با عناصر وارده از تمدن‌های آن عصر مانند ایران باستان، یونان باستان، هند و غیره، تقابل نظامی با برخی از تمدن‌ها و فرهنگ‌های مهاجر نظیر حمله مغول‌ها و توطئه‌های جدی برخی از رهبران ادیان دیگر که موجب جنگ‌های طولانی چون جنگ‌های صلیبی شدند، از جمله چالش‌های خارجی فرهنگ و تمدن اسلامی عنوان شده‌اند. البته به نظر می‌رسد که هر چند این عوامل موجب تضعیف برخی از پایه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی شده بود، اما هیچ‌گاه نتوانست اساس آن را به چالش بکشد (ولایتی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۷۳۸-۷۳۶) و این تمدن جدید را دچار رکود و افول نماید. متأسفانه به علل کوتاهی مسلمانان و دوری آنان از اصول و قوانین اصیل اسلامی، بخش‌هایی از فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون اخیر مطابق نیازهای زمان رشد نیافته و مقهور دست‌آورد‌های تمدن مدرن غربی شده است، با این حال نباید جوهر و اصول اساسی این فرهنگ و تمدن را که همواره پاسخگوی نیازهای بشر خواهند بود، فراموش کرد. برای درک این مسأله باید توجه کرد که دین اسلام، دارای برخی ویژگی‌های اختصاصی است که بازتاب آن در فرهنگ و تمدن اسلامی باعث برتری آن بر سایر تمدن‌ها شده است.

۶. ویژگی تمدن نوین اسلامی

اولین ویژگی تمدن اسلامی، مبنای توحیدی و ایمانی آن است که به این صورت در هیچ فرهنگ و تمدن دیگری، از جمله فرهنگ‌های تحریف شده یهودی و مسیحی نیز دیده نمی‌شود. ایمان به خدای یگانه و باورهای دینی اصیل در اسلام باعث می‌شود که مسلمانان، از آلوده شدن به شر و کفر و تعظیم در برابر انسان‌هایی که ادعای خدایی دارند، خودداری کنند. گرچه رعایت مراحل کامل اصل توحید در میان مسلمانان نیز امر دشواری است، اما رعایت صوری اصل توحید نیز برکات کم نظیری برای فرهنگ و تمدن اسلامی به همراه داشته است. به علاوه اعتقاد به اصول نبوت و معاد در کنار توحید، به صورتی که در اسلام بیان شده، مکمل نیازهای معنوی مسلمانان، در سراسر طول تاریخ بوده است.

ویژگی دیگر تمدن اسلامی که باعث برتری آن شده است، همه انسان‌ها را در هر مکان و زمان، فارغ از اقلیم جغرافیایی، نژاد و رنگ، مخاطب خود قرار می‌دهد. این ویژگی، در کنار اصل کرامت و شرافت انسان در دین اسلام، باعث می‌شود که همه انسان‌ها در همه زمان‌ها، خود را مخاطب اسلام دانسته و به راحتی با آن ارتباط برقرار کنند. همچنین باید عنوان کرد که دین اسلام پاسخگویی متعادل به نیازهای معنوی و امور مادی انسان‌ها مورد تأکید قرار گرفته و به عدم افراط و تفریط در این زمینه توصیه شده است. این ویژگی‌های تمدن اسلامی که ریشه در اصول جاودان مکتب اسلام دارد، باعث می‌شود که علی‌رغم فراز و فرود فرهنگ و تمدن اسلامی، همواره امکان احیاء و بازیابی آن برای مسلمانان فراهم شود. از دیگر ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی باید گفت که تمدنی دین بنیاد و حق‌گرا است که اگر حقیقت اسلام از این تمدن سلب شود، از بین می‌رود. همچنین عدالت‌محوری از ارکان تمدن نوین است. عدالت و ظلم‌ستیزی، ستون اصلی تمدن نوین است. این تمدن آزادی بنیان و آزادی‌زا است. فرآیندی و تدریجی است (مکی، ۱۳۸۱: ۳۵). تمدن نوین اسلامی، علم‌گرا، خلاق، نوآور، صلح‌گرا و آرامش‌بخش است. یعنی آلام بشری را کاهش می‌دهد و به بسط و تعمیق صلح پایدار کمک می‌کند (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۲-۵۳).

۷. تأثیر تمدن نوین اسلامی بر سایر تمدن‌های معاصر

درباره ارتباط تمدن اسلامی با سایر تمدن‌های معاصر خود باید عنوان کرد که تمدن-اسلامی عناصر پراکنده فرهنگی دنیای موجود خودش را جذب و در درون خود برای آینده ذخیره کرد. اسلام در میان تمام این فرهنگ‌های متفاوت جذب شده، سیستم‌سازی کرد و با ایجاد یکنواختی و هماهنگی، نظامی فکری و فرهنگی ایجاد کرد که در قالب کلیتی به نام اسلامی جای گرفت. همچنین اسلام نوعی خلاقیت و سازندگی درونی به همان فرهنگ‌های کهن داد. یعنی به آنچه جذب کرده بود، افزود و آن را وسعت بخشید و به صورت کامل‌تری به خود آنها ارائه کرد (منصور نژاد، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

همه تمدن‌ها باید تلاش کنند تا ضمن تأکید بر اصول مشترک خود، از تجارب قابل استفاده دیگران بهره‌برداری کنند. البته نباید فراموش کرد که گزینش عناصر یک تمدن در تمدن دیگر کار دشواری است و محتاج فراهم آمدن شرایط خاصی است. واقعیت این است که مفاهیم و دستاوردهای یک تمدن را صرفاً به بهانه خاستگاه وی نباید محکوم کرد و یا این که بدون تحقیق پذیرفت. گزینش امری بسیار دشوار و مخاطره‌انگیز است، چرا که لازمه گزینش صحیح و واقع‌گرا، شناخت دقیق ساختارهای اجتماعی - فرهنگی و تاریخی و ظرف زمانی و مکانی نوآوری‌های تمدن‌های مختلف از یک سو و شناخت دقیق مقتضیات زمانی و مکانی تمدن است (ایوبی، ۱۳۷۷: ۳۹۲).

۸. جهانی بودن تمدن نوین انقلاب اسلامی

کشورهای اروپایی از همان روزهای آغازین پیروزی، اهمیت انقلاب اسلامی ایران را به عنوان الگویی که می‌توانست به موج گسترده‌ایی از انقلاب‌ها و نهضت‌ها در کشورهای مختلف در جهان اسلام و دیگر جوامع منجر گردید، درک کرده بود. این تأثیرات شامل موارد ذیل است:

۱- گسترش هویت اسلامی در مقابل گفتمان‌های دیگر از جمله غرب‌گرایی و ناسیونالیسم

۲- گسترش رویکرد استقلال‌طلبی و تأکید بر دوری سلطه از شرق و غرب

۳- شکل‌دهی به عنوان الگوی جدید نظام سیاسی با ویژگی‌های اسلامی، مردمی با رویکردهای حرکتی نوین

۴- تقویت موج مقاومت مردمی در حمایت از آرمان‌ها و اهداف

۵- در سال‌های اخیر با بروز جنبش‌های مردمی در میان ملت‌های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه‌های بازیابی شوکت و عظمت تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقتناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره‌گیری از تمدن‌های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت‌های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مسئله ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی نمایان است.

۶- در دنیای کنونی با توجه به درهم تنیدگی نظام ارتباطاتی در عصر جهانی‌شدن، انسان‌ها در اثر فناوری ارتباطات این امکان را به دست آورده‌اند که بدون واسطه با یکدیگر سخن‌گویند، ارتباط برقرار کنند، از افکار و دیدگاه‌های هم مطلع شوند و بر یکدیگر تأثیرگذارند. همین قدرت رسانه‌های نوین است که آن‌ها را به سلاح مؤثر فرهنگی تبدیل کرده است. تمدن نوین اسلامی قابلیت آن را دارد که با بهره‌گیری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به تبیین ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در جامعه بین‌المللی مبادرت کند. ارتباط معنادار تمدن نوین اسلامی با مخاطبان خود و نفوذ معنوی و فکری در آنان به گونه‌ای که اقتناع عقول و جذب مخاطبان را در پی داشته باشد، موجبات شکل‌گیری شهروندان شبکه‌ای را در دنیای جهانی شده فراهم می‌آورد. در این صورت، مخاطب‌پژوهی در فضای مجازی به‌عنوان فرآیندی ارتباطی با عنایت به منابع و نیازهای مختلف درون تمدنی و توجه به افکار عمومی بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران در دهه چهارم حیات خود در نظر و عمل در جستجو و در مسیر تحقق بخشیدن به تمدن نوین اسلامی، با استمداد از قدرت فرهنگی غنی و عمیق خویش است. امروزه انقلاب اسلامی ایران در تلاش‌های بیش از سی ساله خود در سطوح

مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی، دینی، هنری و فناوری، اجتماعی، و اعتقادی بسترهای لازم برای نائل آمدن به تمدن نوین اسلامی را مهیا ساخته است. تداوم استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و موفقیت‌های نسبی آن در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و آشنایی بیشتر روشنفکران و اندیشمندان دنیا با ظرفیت‌های بالقوه فرهنگ و تمدن اسلامی در چند دهه اخیر، باعث شد که این تمدن نوین اسلامی رشد داشته باشد. در حال حاضر به نظر می‌رسد با تداوم حکومت اسلامی در ایران و اشتیاق بیشتر مسلمانان جهان به پایبندی به احکام اسلام و در عین حال استفاده از دست‌آوردهای جدید تمدن مدرن غرب، گفتمان نوینی در برابر گفتمان مسلط تمدن مدرن غربی شکل گرفته است. این گفتمان نوین که از آن به نام تمدن نوین نام می‌برند، تلاش می‌کند نشان دهد که دست‌آوردهای معنوی فرهنگ و تمدن اسلامی، می‌تواند به عنوان مکمل دست‌آوردهای مادی و پیشرفت‌های علمی تمدن مدرن غربی باشد. در این گفتمان، الگویی از زندگی در عصر حاضر ارائه می‌شود که از همه دست‌آوردهای علمی، اقتصادی، فرهنگ، مذهبی و سیاسی تمدن مدرن، بهره می‌برد که نشانه‌های تقلید آن حتی در دول اروپایی نیز مشاهده می‌گردد. البته نباید تصور کرد که ارائه الگوهای مناسب از فرهنگ و تمدن اسلامی برای عصر حاضر کار ساده‌ای است، زیرا اختلافات دو گفتمان مذکور بسیار اساسی است. به طور کلی هدف اساسی فرهنگ و تمدن مدرن اروپایی در دو سده اخیر پیشرفت مادی انسان‌ها انتخاب شده و در این راه تضعیف یا نابودی جنبه‌های دینی و معنوی زندگی انسان‌ها نیز اهمیتی نداشته است. با بیداری اسلامی اخیر، تمدن نوین اسلامی در مقابل تمدن غرب، قوی‌تر و منسجم‌تر ظاهر خواهد شد. تمدن جستجو شده توسط جوامع امروز تمدن نوین اسلامی است که هم یادآور تمدن شکوفای عظیم گذشته بوده و هم پاسخگوی نیازهای امروز و فردای بشری خواهد بود که امروزه جهان بین‌الملل در جستجوی هویت خویش از طریق حرکت در مسیر تمدن سازی نوین اسلامی است.

منابع

- اسپوزیتو، جان (۱۳۷۷)، اسلام و غرب، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، «ما و تمدن غرب، پیش شرطهای گفت و گو» مجموعه مقالات چپستی گفت و گوی تمدن‌ها، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- حاجتی، میراحمدرضا (۱۳۸۱)، عصر امام خمینی، قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.
- صدری، احمد (۱۳۸۰)، مفهوم تمدن و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی، تهران: هرمس.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶)، فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران: سوره مهر.
- فیلیپ‌چی، آدلر (۱۳۸۴)، تمدن‌های عالم، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: امیرکبیر.
- کمالی‌اردکانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، «نقد سکولاریسم از دیدگاه امام خمینی (ره)»، در مجموعه مقالات بررسی و نقد مبانی سکولاریسم، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و دانشگاه امام صادق (ع).
- کمالی‌اردکانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، «نقد سکولاریسم از دیدگاه امام خمینی (ره)»، در مجموعه مقالات بررسی و نقد مبانی سکولاریسم، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و دانشگاه امام صادق (ع).
- مکی، محمدکاظم (۱۳۸۱)، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، مترجم: محمدسپهری، تهران: سمت.
- منصور نژاد، محمد و دیگران (۱۳۸۱)، رویکردهای نظری در گفتگوی تمدن‌ها، هابرماس، فوکویاما، خاتمی و هانت نکتون، تهران: جهاد دانشگاهی.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹)، صورت‌بندی مدرن ته و پست مدرنیته، تهران: نقش جهان.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: وزارت امور خارجه.